

از "آ" به "خ"

حکایتی به روایت نامه‌ها

جان بر جر / ترجمه‌ی ندا احمدی

نامه‌هایی که توسط جان برجر جمع آوری شدند

سال گذشته وقتی زندان جدید شهر سوس با آن سیستم امنیتی پیشرفته بر فراز تپه‌های شمالی شهر افتتاح شد، زندان قدیمی بسته و متروکه شد.

آخرین زندانی سلول ۷۳ زندان قدیمی، کنار دیوار، پشت تخت خوابش، با جعبه‌های خالی سیگار یک ردیف قفسه ساخته بود و با نوارچسب قرص و محکم چسبانده بود به دیوار. هر قفسه می‌توانست چند دسته پاکت نامه را در خود بگنجاند. چند دسته نامه در سه تا از این قفسه‌ها پیدا شد.

نوری که روزها از آن دریچه‌ی کوچک گرد به داخل سلول می‌تابید، کمتر از آن بود که آن قسمت دیوار را روشن کند. سلول ۲/۵ در ۳ متر با ارتفاع ۴ متر.

یک راهروی بزرگ با پنجره‌های نرده‌کشی شده و شیشه‌های مات این بخش زندان را به سالن اجتماعاتی که به انبار می‌مانست وصل می‌کرد. در آنجا وسایل آشپزی خیلی ابتدایی، یک شیر آب، یک تلویزیون، تعدادی نیمکت و میز دیده می‌شد، و یک سکوی بلند برای نگهبان‌های مسلح زندان. آخرین زندانی سلول ۷۳ که به اتهام ریاست یک شبکه‌ی تروریستی به دو بار زندان ابد محکوم شده بود «خاویر» نام داشت و این نامه‌ها برای او پست شده بودند.

با خواندن نامه‌ها می‌شد فهمید که نامه‌ها به ترتیب منظم نشده‌اند. آیدا - اگر این اسم اصلی‌اش باشد - نامه‌ها را با سال تاریخ‌گذاری نکرده بود، فقط روز و ماه. معلوم است که این نامه‌نگاری سال‌های زیادی ادامه داشته است. من و «آر» به‌جای این‌که نامه‌ها را با استفاده از حدس و گمان منظم کنیم، سعی کردیم به ترتیبی که خاویر نامه‌ها را چیده بود احترام بگذاریم و

به همان صورت اینجا بیاوریمشان. بعضی اوقات خاویر پشت نامه‌های آیدا چیزهایی نوشته است (آیدا هیچ‌وقت هر دوروی ورق چیزی نمی‌نوشته). آن‌ها را هم در این کتاب آورده‌ایم؛ البته سعی کردیم شکل تایپ کردنشان متفاوت باشد.

واضح است که آیدا نمی‌خواست در نامه‌ها به فعالیت‌های سیاسی زندگی خودش اشاره‌ای بکند. با این حال به نظر می‌رسد گاهی اوقات نتوانسته جلوی خودش را بگیرد و اشاراتی نکند. به نظرم می‌آید منظور از اشاره به بازی ورق در بعضی نامه‌ها همین بوده است. شك دارم که اصلاً ورق بازی می‌کرده. در همین راستا مطمئناً اسم نزدیکان و مکان‌ها را هم تغییر داده است.

از آنجا که خاویر و آیدا ازدواج نکرده بودند، آیدا مجوز ملاقاتِ خاویر را در زندان نداشت.

تعدادی نامه هست که آیدا هیچ‌وقت برای خاویر پست نکرد. بعضی اوقات از اول می‌دانسته که نمی‌خواهد این نامه را بفرستد، در مواردی هم بعد از نوشتن نامه، تصمیم گرفته نامه را پست نکند. حالا این‌که این نامه‌های پست شده یا نشده چطور به دست من رسیده‌اند چیزی است که فعلاً بهتر است برای حفظ امنیت برخی اشخاص، محرمانه بماند.

نامه‌های فرستاده نشده هم روی همان کاغذهای آبی نوشته شده‌اند که نامه‌های فرستاده شده. آن‌ها را در پاکت‌هایی که به نظرم مناسب می‌آمد گذاشته‌ام، اما اگر خواستید می‌توانید پاکت‌هایشان را عوض کنید. امروز، خاویر و آیدا هر جا که هستند، زنده یا مرده، در پناه خداوند باشند.

ج. ب.